

گزارش

تولید اوپک با رشدی بی سابقه صعود کرد

دلار، تصمیم گیرنده اقتصادهای نفتی

● **شرق:** مازاد عرضه نفت در بازار با رشد بی‌سابقه‌ای مواجه شده، به‌طوری‌که این مازاد عرضه به کاهش بیشتر قیمت نفت دامن خواهد زد. طبق آخرین آمارهای موجود، متوسط تولید اوپک در ماه جولای گذشته به ۳۱ میلیون و ۵۱۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت که صد هزار بشکه از ماه پیش از آن بیشتر است. افزایش تولید نفت در عراق و عربستان سعودی و کشورهای جنوبی خلیج فارس موجب شده متوسط تولید نفت اوپک افزایش پیدا کند. اما در هر حال افزایش عرضه و کاهش قیمت موجب افزایش ذخیره‌سازی نفت از سوی برخی کشورها شده است. به‌گفته برخی کارشناسان، تقاضای پالایشگاه نفت آمریکا برای دریافت نفت کاهش پیدا کرده چون این کشور در گذشته توانسته است میزان ذخایر استراتژیک خود را افزایش دهد. اما دلالتان خوشحلالان همیشگی بازار نفت هستند چنان که از التهاب و نوسان بازار استفاده می‌کنند تا هم از جیب تولیدکننده و هم مصرف‌کننده سود به جیب بزنند.

خاقانی، معاون سابق وزارت نفت:تنها «دلار» برای سرنوشت اقتصادهای نفتی تصمیم می‌گیرد

محمود خاقانی از کارشناسان حوزه نفت در گفت‌وگویی با «شرق» در مورد افزایش متوسط تولید اوپک به ۳۱ میلیون و ۵۱۰ هزار بشکه در روز گفت: در شرایط فعلی، همه کشورهای عضو اوپک به دلیل مشکلات عدیده اقتصادی در ظرفیت کامل به تولید نفت اقدام می‌کنند؛ در واقع زمانی که درآمدهای کشورهای متکی به نفت از محل‌های دیگر کاهش پیدا می‌کند، مجبور به فروش بیشتر نفت هستند.

وی افزود: متأسفانه کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت هرگز نتوانستند برای اقتصاد خودشان تصمیم بگیرند، چون درآمد و بودجه آنها وابسته به فروش نفت و دلار است؛ بنابراین دلار برای سرنوشت اقتصاد کشورهای تولیدکننده نفت تصمیم می‌گیرد.

معاون سابق وزارت نفت ضمن بیان این نکته که قوی‌بودن دلار موجب کاهش قیمت نفت و طلا شده است و تاکنون هم کشور آمریکا قصد نکرده در این زمینه کاری کند، افزود: یکی از دلایل کاهش قیمت نفت، افزایش برابری دلار در برابر ارزهای دیگر است، به طوری که کشور چین نیز با مشکلات عدیده‌ای در این زمینه مواجه شد و این‌طور مسائل در بورس شانگهای خودش را نشان داد، انبارهای استراتژیک این کشور به یکباره رُش د تا به آن میزان که می‌خواهد، نفت وارد کند و به این ترتیب ارزش یوان را در برابر دلار دو درصد پایین آورد تا بتواند صادرات خودش را بالا ببرد.وی ضمن اشاره به اینکه صادرات نفت ایران همچنان تابع دوران تحریم است اما وزارت نفت از هم‌اکنون خودش را برای افزایش صادرات نفت آماده می‌کند، تصریح کرد: مشکل اصلی صنعت نفت ایران مدیریت نفت و شخص‌مرزی این صنعت است و متأسفانه تاکنون مجلسی‌ها به وزیر نفت فرصت ندادند که مدیریت و ساختار وزارت نفت را اصلاح کند. خاقانی بر کاهش هزینه‌های تولید نفت در کشور تاکید کرد و ضمن انتقاد از شرکت‌های پیمانکار ایرانی برای افزایش دستمزد، گفت: ایرانی‌ها بیشتر از خارجی‌ها برای حفاری دستمزد طلب می‌کنند چون متأسفانه تا به این لحظه با رقابت مواجه نشده‌اند؛ بعضاً برخی از شرکت‌های پیمانکاری به مجلس می‌روند و از نمایندگان مجلس می‌خواهند که وزارت نفت را برای افزایش دستمزدشان زیر فشار بگذارند.وی در ادامه ضمن اعلام خبر ورود فشاران نفت خارجی به ایران، ادامه داد: متأسفانه پایین‌بودن قیمت نفت در جهان موجب شده بخش عمده‌ای از صنعت حفاری بی‌کار باشند و دنیال کار بگردند. این کارشناس نفتی همچنین تصریح کرد: کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، اوپک را از چارچوب اقتصادی خارج کردند و در یک کلوپ سیاسی از درون علیه اعضای که با آنها موافق نبودند، حرکت کردند، بنابراین هم‌اکنون دیگر وقت آن رسیده که در یک فرصت مناسب، گفتمان مستقیمی بین تولیدکننده و مصرف‌کننده برقرار شود تا شاید اوپک به این نتیجه برسد که از اهداف سیاسی کشورها دور شود، وگرنه جایگاه خود را از دست می‌دهد.علی فاطمی مدیر پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی نیز در گفت‌وگو با «شرق» درباره افزایش بی‌سابقه تولید اوپک گفت: عمده این افزایش به عربستان و کشورهای جنوبی خلیج فارس برمی‌گردد، ضمن اینکه همین کشورها به خاطر منافع سیاسی خود قیمت‌ها را پایین نگه داشتند و ایران تنها قربانی این‌گونه ماجراهاست اما در هر صورت مجموع روند افزایشی بیش از سه درصد نخواهد بود.وی ضمن اشاره به اینکه به دلیل مشکلات اقتصادی و همچنین کاهش قیمت نفت رقابت شدید برای تولید نفت صورت گرفته است، گفت: ایران باید زیرساخت‌های تولیدی خود را در طول زمان بهبود دهد- به‌ویژه اینکه با انعقاد قراردادهای نفتی جدید و بهره‌برداری از میدان‌های مشترک نیز می‌توان این مسئله را بهبود بخشید، همچنین ایران می‌تواند تولیدات غیرنروسی را به رسمی تبدیل کند، در این صورت توان چانه‌زنی ایران بالا می‌رود.

اقتصاد

اکبری از تأثیرپذیری بانک‌ها از عملکرد بنگاه‌ها در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید

بدهی ۸۰ درصدی مشتریان دائمی به بانک‌ها



نسبت بدهی شرکت‌ها در یک پروسه زمانی یک تا شش سال، از ۱۰ درصد به بالای ۸۰ درصد افزایش می‌یابد و این به‌معنای تأمین مالی تمام منابع موردنیاز یک طرح یا پروژه با تکیه بر بازار پول و به عبارتی مصداق اقتصاد بانک‌محور است.

کتابتعات منفی تغییر مورد اشاره در ساختار بدهی بنگاه‌ها بر بانک‌ها چگونه

فعالیت بانک‌ها عمدتاً شامل دو بخش است: بخش معاملات و بخش خدمات، در بخش معاملات، بانک‌ها کالای پریسکی به نام پول را خرید و فروش می‌کنند یا به نایابت از طرف سپرده‌گذاران، به‌صورت حق‌العصل‌کاری با آن معامله می‌کنند. بخش خدمات نیز شامل انواع خدمات برای نقل و انتقال وجوه و پرداخت‌ها و غیره است.

مشکل عمده بانک‌ها در هر دو بخش به کیفیت اعطای تسهیلات مربوط است که بر ساختار مالی شرکت‌ها و هم خود بانک، تأثیر می‌گذارد. بانک‌محوربودن اقتصاد ایران موجب شده که نگاه بنگاه‌های اقتصادی برای تأمین مالی متوجه بانک‌ها باشد. همان‌طورکه اشاره کردم، بررسی صورت‌های مالی اکثر مشتریان دائمی بانک‌ها نشان می‌دهد که در پنج تا شش سال، ساختار سرمایه شرکت‌ها از ۱۰ درصد به بالای ۸۰ درصد بدهی افزایش می‌یابد. یعنی با گذشت زمان وظیفه تأمین نقدینگی موردنیاز شرکت‌ها برعهده بانک‌ها قرار می‌گیرد و هر واحد پولی که به بنگاه‌های اقتصادی در قالب وام اعطای می‌شود، به یک منبع دائمی برای شرکت تبدیل می‌شود و نه‌تنها وام اولیه برگشت داده نمی‌شود بلکه در طی زمان سقف این مبالغ نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه منابع مالی بانک‌ها در شرکت‌ها قفل شده و عملاً گردش‌ی بابت این منابع نزد سیستم بانکی ایجاد نمی‌شود. درصورتی‌که بانک‌ها بخواهند از طریق کاهش سقف تسهیلات اعطایی نظام مالی شرکت را ضابطه‌مند کنند، عملاً شرکت‌ها با کمبود نقدینگی مواجه شده و عملیات فعلی‌شان نیز مختل می‌شود، چراکه بسیاری از این بنگاه‌ها به دلیل دسترسی آسان به منابع بانکی در طول زمان عملاً هزینه‌ها و خریدهای خود را به‌صورت نقدی و به منظور افزایش سطح درآمد‌های خود، بخش عمده فروش را به‌صورت نسیه انجام می‌دهند. در نتیجه حجم بالایی از مطالبات در صورت‌های مالی این شرکت‌ها دیده می‌شود. حال آنکه با وجود سودآوربودن این شرکت‌ها، جریان نقدی عملیاتی در آنها منفی است. به عبارت دیگر در عملیات این بنگاه‌ها خروجی نقدینگی در اکثر مواقع بیش از ورود وجه نقد است. در صورت تداوم این روند، شرکت‌ها جهت جبران کسری نقدینگی فعلی و به علت ناکارآمدی دارایی‌های جاری خود که عمدتاً به دلیل فروش‌های نسیه راكد مانده‌اند، مجبورند به بانک‌ها رجوع کنند و در صورت عدم همراهی بانک‌ها به دلیل عدم توازن ساختار مالی شرکت، بانک‌ها به‌صورت ناغادلانه و از سر ناکاهی، در معرض اتهام قرار می‌گیرند. از طرفی ساختار مالی خود بانک‌ها نیز شدیداً متأثر از این رفتار بنگاه‌هاست، زیرا همان‌گونه که اشاره شد، بانک‌ها به دلیل جلوگیری از انتقاداتی نظیر قفل‌کردن چرخه اقتصاد، مجبور هستند انواع تسهیلات کوتاه‌مدت و بلندمدت را در اختیار بنگاه‌ها قرار دهند. در نتیجه انواع تسهیلات، در صورت‌های مالی بانک‌ها، بخش عمده‌ای از کل دارایی‌های بانک را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر به دلایل فوق، این تسهیلات عمدتاً قابلیت وصول ندارند و نیز طبق استانداردهای حسابداری لازم است سود این تسهیلات شناسایی شوند. درحالی‌که بابت این سودهای شناسایی‌شده عملاً وجه نقدی وارد چرخه نقدینگی بانک‌ها نمی‌شود و این سود پشته‌انو چه نقد ندارد. برای جبران مافات، بانک‌ها مجبور به اخذ انواع سپرده‌ها با هزینه‌های مختلف هستند که باید سود آنها را شناسایی و ماهانه به سپرده‌گذاران پرداخت کنند. بنابراین عمدتاً بانک‌ها نیز باوجود سودآوربودن در صورت‌های مالی خود با جریان نقدی عملیاتی منفی مواجه هستند. نتیجه آنکه بزرگ‌ترشدن بانک‌ها دلیل بر عملکرد مناسب یا کارآمدبودن دارایی‌های آنها نیست بلکه این مهم به دلیل گردش نامناسب دارایی‌ها و جبران کسری نقدینگی اتفاق می‌افتد و در عمل نقش بانک‌ها به‌عنوان بنگاه اقتصادی و ابزار اجرایی سیاست‌های پولی کشور به‌درستی ایفا نمی‌شود و بدون توجه به این موضوع، موردنقد و بررسی قرار می‌گیرند.

کتابتعات منفی تغییر مورد اشاره در ساختار بدهی بنگاه‌ها بر بانک‌ها چگونه

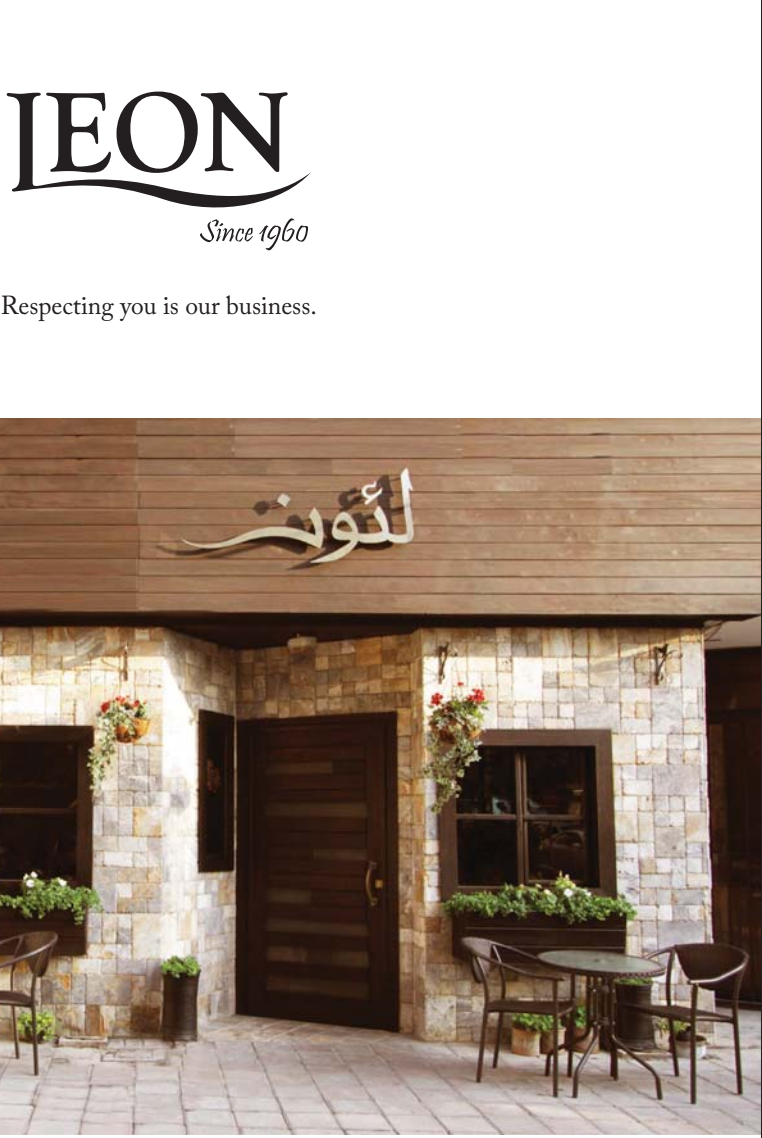
از نظر تئوریک در یک اقتصاد متعادل وظیفه تأمین مالی سرمایه درگردش (کوتاه‌مدت) واحدهای اقتصادی بر عهده بازار پولی (بانک‌ها) و تأمین مالی طرح‌ها و سرمایه ثابت (بلندمدت) بر عهده بازار سرمایه (بورس) است. درحالی‌که در یک اقتصاد بانک‌محور، تأمین منابع بنگاه‌ها از هر نوع که باشد، بر عهده بازار پول است. در نتیجه در فرایند تدوین طرح توجیه فنی و اقتصادی اکثر طرح‌ها، تأمین بیش از ۷۰ تا ۸۰ درصد سرمایه ثابت طرح به عهده بانک‌ها و سهم مشارکت متقاضی اجرای طرح و گیرنده تسهیلات بانکی بسیار اندک خواهد بود. در صورت عدم تعادل سهم مشارکت دو طرف، در واقع طرح از جامعیت و قاطعیت نتایج دور می‌شود. از سوی دیگر طرح توجیهی اکثر پروژه‌های بلندمدت، بدون درنظرگرفتن متغیرهای کلان و نوسانات آنها و واقعیت‌های اقتصادی کشور تدوین و صرفاً جهت توجیه بانک‌ها و اخذ تسهیلات مستندسازی می‌شود. بنابراین نتیجه حاصل از اجرای این طرح‌ها معمولاً درجه ابهام بالایی داشته و جریانات نقدی پیش‌بینی‌شده برای آنها تحقق پیدا نمی‌کند. در نتیجه بسیاری از این طرح‌ها در مواعد اولیه موردبهره‌برداری قرار نمی‌گیرند و مشمول تغییر نوسانات متغیرهای اقتصادی می‌شوند و از توجیه می‌افتند. از طرفی به فرض اجرایی‌شدن طرح و شروع بهره‌برداری، علاوه بر سرمایه ثابت، نگاه سهام‌داران و معجریان طرح برای تأمین سرمایه درگردش نیز متوجه بانک‌ها بوده و بانک‌ها نیز به‌منظور وصول مطالبات ناشی از تأمین سرمایه ثابت طرح، مجبور به تأمین مالی قراردادهای عملیاتی شرکت نیز می‌شوند. بدین ترتیب آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، این است که

تعریف و اجرا شده‌اند؟ اتفاقاً بخش زیادی از این شیوه رفتار دریافت‌کنندگان تسهیلات و نحوه عمل بانک‌ها در این خصوص هم متکی به قوانین یک طرفه در جهت حمایت از واحدهای اقتصادی است. قوانین و مقررات در خصوص طرح‌ها و نحوه تأمین مالی آنها از بانک‌ها عمدتاً جنبه حمایتی دارد. این موضوع موجب می‌شود که بانک‌ها ملزم شوند در زمان اعطای تسهیلات به طرح‌ها، صرفاً محل اجرای طرح را در رهن بگیرند و اجازه دریافت وثایق غیرمحل طرح داده نمی‌شود. حال چنانچه با توجه به شرایط اقتصادی کشور و نوسانات نرخ‌ها از قبیل نرخ ارز، نرخ مواد اولیه و قوانین گمرکی، مشکلات نیروی کار، کمبود منابع سرمایه درگردش و غیره، طرح در برنامه زمان‌بندی‌شده آن به‌صورت موفقیت‌آمیز عمل نکند، بانک‌ها با حجم بالایی از مطالبات مواجه می‌شوند.

کتابانک‌ها در مواجهه با این موقعیت، چه راهکاری را در پیش گرفته‌اند؟

در این وضعیت بانک‌ها ناچار به اجرای یکی از این دو رویکرد هستند؛ رویکرد اول اینکه با توجه به الزام بانک‌ها به حمایت از پروژه‌ها و طرح‌های بلندمدت در قبال ترهین صرفاً محل اجرای طرح، بانک مجبور به تمکک کارخانه یا طرح اجراشده می‌شود. در چنین شرایطی

بانک تبدیل به بنگاهدار شده و با انواع مشکلات نیروی انسانی، بیمه، مالیات و طلبکاران مواجه می‌شود. تجربه ثابت کرده که معمولاً بانک‌ها بنگاهداران خوبی نیستند و کارخانه‌های تملیکی اکثراً با زیان و وضعیت نامناسبی اداره می‌شوند. از سوی دیگر در صورت تملیک کارخانه، آنها باید به حجم وسیعی از انتقادات مطرح‌شده از سوی نمایندگان مجلس یا افکار عمومی نیز پاسخ‌گو باشند و در این میان به نقش بانک‌ها به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی بسیار مهم در چرخه اقتصادی کشور توجهی نمی‌شود. رویکرد دوم این است که بانک‌ها برای حفظ منافع خود در این شرکت‌ها و حفظ بقای این کارخانه‌های ناکارآمد و فرار از اعمال فشار برخی مسئولان، مجبور می‌شوند فرایند عملیاتی این طرح‌ها را نیز تأمین مالی کنند. به عبارت دیگر بانک باید هر روز بیش‌ازپیش سهم بیشتری از ساختار سرمایه شرکت‌ها را برعهده بگیرد و سهم سهام‌داران هر روز کمتر و کمتر می‌شود. حال سؤال اساسی این است که این شیوه تأمین مالی تا چه زمان و تا چه مقدار، منطقی دارد؟! قطعاً وقتی بدانیم ریسک پروژه‌ها به دلیل سهم بالای آورده تماماً بر عهده بانک‌ها افتاده و صاحبان سهام این پروژه‌ها و طرح‌ها با آوردن حداقل منابع با کمترین ریسک آریترائز کرده و به دنبال منافع حداکثری خود هستند، پاسخ منفی خواهد بود، هرچند همان‌گونه که اشاره کردم این واقعیت را خیلی‌ها نمی‌خواهند بپذیرند که بانک هم مثل تمام واحدهای اقتصادی یک بنگاه است و نیاز دارد مثل آنها موردحمایت قرار گیرد و به اندازه‌ای ریسک بپذیرد که بتواند توان عملیاتی خود را حفظ کند و نه اینکه سهم ریسک سهام‌داران را هم بر گردن بگیرد. ضروری بر قوانین اقتصادی به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد که اکثر قوانین در جهت فشار به بانک‌ها و حمایت از همین واحدهای اقتصادی ناکارآمد است. تا جایی‌که امروز می‌بینیم بخش زیادی از کمبود منابع بانکی به دلیل عدم بازپرداخت تسهیلات طرح‌ها به وسیله تسهیلات‌گیرندگان آنهاست و همین موجب شده گردش منابع نزد بانک‌ها و اثر فراینده آن به‌شدت کاهش یافته و در نتیجه از توان اعتباردهی بانک‌ها کاسته شده و تنها چیزی که باقی مانده است هجمه به بانک‌هاست، مبنی بر اینکه دلیل رکود واحدهای اقتصادی بانک‌ها هستند. درحالی‌که اگر اقتصاد متعادل بود و وظیفه تأمین سرمایه ثابت برعهده سهام‌داران و یا سایر ابزارهای تأمین مالی بازار سرمایه گذاشته می‌شد، بانک‌ها منابع بیشتری برای تزریق به‌عنوان سرمایه درگردش در اختیار داشتند.



تجربه لحظات گرم و صمیمی

در شعبه نیاوران

نیاوران: خیابان دکتر باهنر (نیاوران)

قبل از دوراهی درازشایب

تلفن : ۰۲۲۷۷۲۴۰۰-۰۲۲۷۷۲۴۰۰

www.leon1960.com

خبر

یک مؤسسه آمریکایی مدعی شد:

چینی‌ها در ۱۵ سال آینده بازار خودرو جهان را قبضه می‌کنند

● **فارس:** از سال ۲۰۱۰ تاکنون صنعت خودروسازی چین رشد قابل توجهی را نسبت به سال‌های گذشته تجربه کرده است و براساس پیش‌بینی‌ها طی ۱۵ سال آینده بخش قابل توجهی از بازار خودروی جهان در دست چینی‌ها خواهد بود. به گزارش یک مؤسسه نظارت بر تجارت و سرمایه‌گذاری در آمریکا، تولید خودرو در چین در سال ۲۰۱۰ افزایش چشمگیری داشت، به طوری که تعداد خودروهای تولیدشده در چین از کل تعداد خودروهای تولیدشده در اتحادیه اروپا فراتر رفت. در سال ۲۰۱۴ حجم صادرات خودروی چین به معادل یک درصد کل صادرات خودروی جهان رسیده اما همچنان با هشت درصد سهم آمریکا و ۱۳ درصد سهم ژاپن فاصله زیادی دارد.

سودمیلیاردی واردات مرکبات در جیب ۵ نفر

● **فارس:** ابوالقاسم حسن پور، مدیرکل میوه‌های گرمسیری و نیمه‌گرمسیری وزارت جهادکشاورزی با بیان اینکه امسال تولید مرکبات طوری است که علاوه بر تأمین نیاز داخل صد هزار تن صادر می‌کنیم، گفت: معمولاً اقدام به واردات مرکبات در عین بی‌نیازی، از سوی چهار یا پنج نفر انجام می‌شود و آنها درآمد میلیاردی به جیب می‌زنند.

۷۸۰ هزار مشترک غیرمجاز داریم

● **مهر:** ستار محمودی، قائم‌مقام وزیر نیرو با اشاره به وجود ۷۸۰ هزار انشعاب غیرمجاز آب و برق در کشور، گفت: حدود ۳۰۵ درصد مصرف آب و برق کشور غیرمجاز است.

هشدار کارشناس ارشد بانک جهانی:

فرار مغزها ۲ برابر درآمد نفتی به اقتصاد ایران زیان می‌زند

● **تسنیم:** جولان عبدالحق، کارشناس ارشد بانک جهانی با برشمردن شش روندی که آینده تکنولوژی در ایران را رقم می‌زند به فرار مغزها از ایران اشاره کرد و هشدار داد هزینه فرار سالانه ۱۵۰ هزار متخصص از ایران معادل دوبرابر درآمد نفتی این کشور است.